

## مشروعیت توسل به زور علیه عراق از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت

تاریخ دریافت مقاله :	۱۲/۵/۱۹	سیدحسین سادات میدانی
تاریخ تأیید مقاله :	۱۲/۶/۱۵	دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل
صفحات مقاله :	۱۰۷ - ۱۲۶	دانشگاه تهران

### چکیده

علی‌رغم مخالفت‌های دولتی و مردمی در سراسر جهان، سرانجام ایالات متحده و متحدان او در ۱۹ مارس سال ۲۰۰۳ (۲۸ اسفندماه ۱۳۸۱) حملات خویش علیه عراق را آغاز کردند و سرزمین این کشور را به اشغال خویش در آوردند؛ اقدامی که مبانی حقوقی بین‌المللی آن تا حدود زیادی با اعتراض سایر کشورها مواجه گردید. در حالی که دولتهای مهاجم، اقدام خویش را با اهدافی همانند دفاع از خود، انهدام سلاحهای کشتار جمعی، برقراری دموکراسی، اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و ... توجیه می‌نمایند، برخی دیگر حمله مذکور را "جنگ سلطه" خوانده‌اند و اغلب دولتها آن را مغایر با موازین و مقررات بین‌المللی می‌دانند.

در این مقاله صرفاً به بررسی مشروعیت حمله از زاویه قطعنامه‌های شورای امنیت پرداخته شده‌است. توضیح اینکه دولتهای مهاجم معتقدند که قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) شورای امنیت، در حقیقت شرایط آتش‌بس را تعیین کرده بود و توقف توسل به زور تجویزی طبق قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) منوط به اجرای تعهدات عراق طبق قطعنامه ۶۸۷ (از جمله تعهدات مرتبط با خلع سلاح) بود. به عبارت دیگر از آنجا که عراق به نقض ماهوی این تعهد پرداخته بود، آتش‌بس ایجاد شده به موجب قطعنامه ۶۸۷ بی‌اثر شده و حق توسل به زور قطعنامه ۶۷۸ مجدداً احیا گردید. مقاله حاضر نشان داده‌است که پذیرش چنین دیدگاهی مستلزم قبول یک برداشت ابداعی از قطعنامه‌های شورای امنیت و به فراموشی سپردن تاریخچه تهیه آنهاست. به عبارت دیگر، مبنایی برای این حملات در قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت وجود ندارد.

\*\*\*

### کلید واژگان

مشروعیت توسل به زور، قطعنامه‌های شورای امنیت، حمله علیه عراق، منشور ملل متحد، نقض ماهوی

## مقدمه

در حالی که مسئله توسل به زور علیه عراق با هدف خلع سلاح و نابودی سلاحهای کشتار جمعی آن کشور با مخالفت‌های دولتی (... <http://www.un.org/news/press/docs>) و مردمی بی‌شمار و گسترده‌ای در سرتاسر جهان مواجه بود، ایالات متحده و متحدان او در ۱۹ مارس سال ۲۰۰۳ (۲۸ اسفندماه ۱۳۸۱) حملات خویش علیه این کشور را آغاز نمودند و در کمتر از یک ماه خاک این کشور را به اشغال خویش درآوردند. صرف‌نظر از مسائل مرتبط با حقوق حاکم بر سرزمین اشغال شده عراق<sup>(۱)</sup> (گزارش حقوقی درباره عراق)، موضوع مشروعیت و مبنای حقوقی بین‌المللی توسل به زور علیه این کشور از دیدگاه حقوق بین‌الملل عام و منشور ملل متحد مطرح است. درحالی که دولت‌های مهاجم، اقدام خویش را با اهدافی همانند دفاع از خود، انهدام سلاح‌های کشتار جمعی، برقراری دموکراسی، اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و ... توجیه می‌نمایند، برخی دیگر حمله مذکور را "جنگ سلطه" خوانده‌اند و اغلب دولت‌ها آن را مغایر با موازین و مقررات بین‌المللی می‌دانند<sup>(۲)</sup>.

(UN DOC - Press Releas SC/7707).

به موجب منشور ملل متحد «همه اعضای ملل متحد می‌بایست در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری نمایند.» (Bruno Simma ed.). با این حال دو استثنای مشخص بر این اصل وجود دارد: توسل به زور از سوی دولت‌ها در قالب نظام امنیت دسته‌جمعی ملل متحد (ماده ۴۲ منشور) یا براساس حق ذاتی دفاع از خود در قبال حمله مسلحانه (ماده ۵۱ منشور). با عنایت به عدم پذیرش مشروعیت توسل به زور علیه عراق در قالب حق دفاع از خود<sup>(۳)</sup> (Sean D. Murphy)، در این نوشتار، مسئله مشروعیت توسل به زور علیه عراق از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت و به عبارت دیگر تفویض حق توسل به زور از سوی شورا به دولت‌های عضو ملل متحد از جمله ایالات متحده و انگلیس مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

در بررسی مشروعیت حمله به عراق از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت، تجزیه و تحلیل قطعنامه‌های ۶۷۸ (۱۹۹۰، ۲۹ Nov. ۱۹۹۰) (SC Res. 678 (1990))، ۶۸۷ (۱۹۹۱، ۳) (SC Res. 688 (1991))، ۱۱۵۴ (۱۹۹۱، ۲ March ۱۹۹۸) (SC Res. 1154 (1998))، ۱۲۰۵ (۱۹۹۸، ۵ Nov. ۱۹۹۸) (SC Res. 1205 (1998))، ۱۴۴۱ (۲۰۰۲، ۸ Nov. ۲۰۰۲) (SC Res. 1441 (2002)) که به‌نحوی استدلال‌های نیروهای مهاجم بر آنها مبتنی است، ضروری می‌نماید. اینکه در هیچ یک از این قطعنامه‌ها، شورای

امنیت صراحتاً توسل به زور علیه عراق با هدف خلع سلاح آن کشور در شرایط موجود را تجویز نکرده است، خود گواهی بر عدم مشروعیت این حمله است. با این حال، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا شورای امنیت به صورت ضمنی به دولتهای عضو حق توسل به زور به نمایندگی از ملل متحد، جهت به اجرا درآوردن تعهدات عراق را تفویض کرده است. نویسندگان و حقوقدانان از این نظریه با عنوان "مجوز تلویحی"<sup>(۱)</sup> یا "مجوز ضمنی"<sup>(۲)</sup> یاد می‌نمایند.

در این مقاله تلاش گردیده است که ضمن تجزیه و تحلیل مبانی موجود در قطعنامه‌های شورای امنیت، به این موضوع از زاویه اصول تفسیر حاکم بر قطعنامه‌های شورای امنیت و رویه دولتها پرداخته شود و عدم مشروعیت این حمله از منظر حقوق توسل به زور احراز و روشن گردد.

### بند اول : حقوق بین‌الملل و توسل به زور

لوترپاخت، حقوقدان بین‌المللی مشهور، در سال ۱۹۳۳ بیان داشت که «هیچ خشونتیی نباید بین دولتها وجود داشته باشد». وی این امر را اولین اصل اساسی تعهدات حقوقی می‌داندست (Hersch Lauterphact, 1933, 64). چند سال بعد نیز هانس کلسن در همین جهت خاطر نشان ساخت که «زور و حقوق یکدیگر را از بین نمی‌برند، بلکه حقوق در حقیقت همان شکل سازمان یافته زور است و همه دولتها می‌بایست تمام قدرت خویش را در یک دولت جهانی متمرکز نمایند.» (Hans Kelsen, 1944, 3). براساس این توصیه‌ها و مجموعه‌ای از اقدامات جامعه بین‌المللی بود (Yoram Dinstein, 2001, 59-78) که منشور ملل متحد به دنبال برطرف نمودن ابهامات میثاق جامعه ملل و در واقع بستن راههای گریز موجود در سیستم جامعه ملل برآمد. به موجب بند ۲ ماده ۴ منشور ملل متحد «همه اعضا می‌بایست در روابط بین‌المللی خویش از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولت یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری نمایند.» (اصل عدم توسل به زور). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ از این اصل با عنوان "یکی از اصول بنیادین یا اساسی"<sup>(۳)</sup> یاد می‌نماید (ICJ Reports, 1986, Para.189). عبارت پردازی منشور پیشرفت اساسی در مقایسه با اسناد بین‌المللی قبل از

1- Implied Authorization

2- Constructive Authorization

3- Fundamental or Cardinal

آن قلمداد می‌گردد. زیرا در آن توسل به زور در کلیت (هرچند به صورت غیر مطلق) ممنوع شده و تنها به واژه جنگ بسنده نگردیده است. به علاوه این ماده علاوه بر نفس توسل به زور، "تهدید به زور" را نیز ممنوع اعلام می‌دارد و ابزارهای موجود در قالب نظام امنیت دسته جمعی را برای تضمین این ممنوعیت پیش‌بینی کرده است (Bruno Simma, *Op.Cit.*, 111). البته دو استثنای مشخص نیز بر این اصل در منشور پیش‌بینی شده است:

#### - توسل به زور در قالب نظام امنیت دسته جمعی

چنانچه شورای امنیت طبق ماده ۳۹ وضعیتی را به عنوان "تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوزکارانه" احراز کند و اقدامات متخذه از سوی شورای امنیت به موجب ماده ۴۱ منشور<sup>(۴)</sup> به منظور اعاده صلح و حفظ آن ناکافی به نظر رسد یا اینکه ثابت شود که ناکارا می‌باشند، می‌تواند طبق ماده ۴۲ در صورت ضرورت از نیروی نظامی استفاده نماید. با این حال با توجه به عدم وجود موافقتنامه‌های خاص بین دولتهای عضو و ملل متحد (ماده ۴۳ منشور) و تأسیس نشدن کمیته نظامی (ماده ۴۷ منشور) تاکنون هیچ‌گاه امکان اقدام مستقل از سوی شورا طبق این ماده وجود نداشته است و صرفاً در چند مورد این امر از طریق تفویض اختیار به دولتها انجام پذیرفته است.<sup>(۵)</sup> تفویض این اختیار منطبق با دکترین "اختیارات ضمنی"<sup>(۱)</sup> سازمانهای بین‌المللی است؛ دکترینی که مورد تأیید آرای قضایی بین‌المللی نیز هست.

#### - توسل به زور براساس حق ذاتی دفاع از خود در مقابل حمله مسلحانه

دولتها همچنین براساس ماده ۵۱ منشور حق استفاده از زور در قالب دفاع از خود فردی و یا جمعی را دارند. به موجب این ماده: «هیچ موردی در این منشور، برحق ذاتی دفاع از خود فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه هر دولت عضو ملل متحد لطمه وارد نخواهد ساخت، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید. اقداماتی که از سوی دولتهای عضو به منظور اعمال این حق دفاع از خود اتخاذ می‌گردد، می‌بایست سریعاً به شورای امنیت گزارش شود و به هیچ وجه نمی‌بایست بر اختیارات و مسئولیتهای شورای امنیت طبق این منشور جهت اتخاذ اقدامی که برای حفظ یا ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی در هر زمانی که ضروری تشخیص می‌دهد، تأثیرگذار باشد.»

همان‌گونه که ماده ۵۱ به صراحت اشاره دارد، حق دفاع از خود تنها در صورت وقوع

یک "حمله مسلحانه" ممکن می‌شود. این تفسیر از ماده ۵۱ با عبارات موجود در ماده ۵۱، تاریخچه تهیه پیش‌نویس منشور و رویه دولتها منطبق است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه نیکاراگوئه مشخصاً بیان داشت که مسئله دفاع از خود فردی یا جمعی صرفاً زمانی مطرح می‌شود که آنچنان گسترده باشند که با یک حمله مسلحانه برابری نمایند. لذا پذیرش حق دفاع از خود در نبود "حمله مسلحانه" (نظریه پیشدستی در دفاع از خود) اساساً ممکن نیست.<sup>(۶)</sup> (ماری ال اکتل، "پیشین"، ۱۲۳-۱۲۱) و (Yoram Dinstein, *Op.Cit.*, 165-169).

از مجموعه مطالب فوق‌الاشعار این‌گونه برمی‌آید که هدف مؤسسان منشور این بوده است که دوره‌ای آغاز شود که در آن استفاده از جنگ به عنوان ابزار سیاست دولتها ممنوع باشد و تنها بتوان در قالب "نظام امنیت (دسته‌جمعی) عمل نمود. به عبارت دیگر نیت طراحان منشور این بوده که ممنوعیت توسل به زور جامع باشد و صرفاً استثنائات مشخصی مورد پذیرش قرار گیرد. بر این اساس تفسیر مقررات بین‌المللی مربوط به توسل به زور می‌بایست با دقت کامل و به صورت مضیق<sup>(۱)</sup> تفسیر گردد و از تجویز گسترده توسل به زور خودداری شود، زیرا توسعه بی‌اساس آن عواقب سوء و خطرناکی را برای نظم بین‌المللی در پی خواهد داشت.

### بند دوم: قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص عراق

بروز دو بحران شدت خونبار در خلیج فارس و فروپاشی منظومه سوسیالیستی، فصل مهمی بود که ذهن را کد تاریخ را متلاطم نمود. قواعدی که چکیده چندین دهه حیات حاکمیت‌های مستقل به شمار می‌آمد و به کاربندی آنها از سوی دولتها، شرط زیست مسالمت‌آمیز بین‌المللی فرض می‌گردید در پس این تلاطم به کنار نهاده شد. در این میدان، قابلیت و توان سازمان ملل به عنوان تبلور حیات سیاسی جامعه جهانی، در بوته آزمایشی سهمگین نهاده شد و استعدادهای نهفته او جهت تأثیرگذاری بر حیات سیاسی جهان در شرایط بحرانی آشکار گردید. این امر به حدی است که برخی معتقدند اقدامات ملل متحد بویژه شورای امنیت آن، در این خصوص، ماده‌ای مبنی بر پذیرش ابعاد ارگانیک منشور ملل متحد از سوی جامعه بین‌المللی به طور اجماع است. شورای امنیت پس از اشغال کویت از سوی عراق تا اواخر فوریه ۱۹۹۱ اقداماتی اتخاذ نمود که در نوع خود بی‌سابقه بوده است. در طول هفت ماه از زمان آغاز این حادثه

تا فوریه ۱۹۹۱ شورا بیش از سیزده قطعنامه به تصویب رساند. نکته مهم اینکه تمام این تصمیمات مشخصاً به موجب فصل هفتم اتخاذ گردیده‌اند. در این بخش به تشریح آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت می‌پردازیم که تفاسیر دولتها و حقوقدانان بین‌المللی از مشروعیت توسل به زور علیه عراق براساس آنها متفاوت بوده‌است.

### قطعنامه ۶۷۸ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰

به موجب بند ۲ بخش اجرایی این قطعنامه، شورا «به دولتهای عضو همکاری‌کننده با دولت کویت اجازه می‌دهد که چنانچه عراق تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ قطعنامه‌های ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۴ و ۶۶۷ را کاملاً اجرا ننماید، از تمامی ابزارهای ضروری به منظور پذیرش و اجرای قطعنامه ۶۶۰ و سایر قطعنامه‌های ذی‌ربط بعدی استفاده نمایند و صلح و امنیت را به منطقه بازگردانند.» توضیح اینکه شورا طی قطعنامه ۶۶۰ که در همان روز اشغال کویت صادر شده بود، ضمن محکوم نمودن حمله عراق از آن دولت درخواست نمود که سریعاً و بدون قید و شرط نیروهای خود را به وضعیت قبل از اول آگوست ۱۹۹۰ برگرداند (2 August 1990, SC Res. 660 (1990)). شورا همچنین چهار روز بعد طی قطعنامه ۶۶۱ علیه عراق تحریم اقتصادی را اعمال نمود (6 August 1990, SC Res. 661 (1990)).

براین اساس عملیات نظامی تهاجمی از سوی نیروهای متحدین انجام گرفت و در ۲۸ فوریه ۱۹۹۱ به پایان رسید. از هنگام تصویب قطعنامه ۶۷۸ تا پایان عملیات (تقریباً ۳ ماه) شورا هیچ قطعنامه دیگری را به تصویب نرساند. در حقیقت هیچ کنترلی بر توسل به زوری که مجوزش را صادر کرده بود، اعمال ننمود.

### قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱

به دنبال آزادسازی کویت و خاتمه مأموریت نیروهای متحدین، شورای امنیت یک بار دیگر در ۳ آوریل ۱۹۹۱ قطعنامه‌ای را درخصوص عراق صادر کرد که در برخی موارد با ابهامات و تردیدهای متعددی مواجه بوده‌است. یکی از اهداف قطعنامه ۶۸۷ خلع سلاح عراق بود. شورا به موجب این قطعنامه از عراق می‌خواهد که «بدون قید و شرط تعهدات خویش به موجب پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و سایر گازها در جنگ و روشهای باکترولوژیکی

جنگی مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵" را مورد تأکید قرار دهد و کنوانسیون ممنوعیت گسترش، تولید و ذخیره سلاحهای باکترولوژیک (بیولوژیک) و سمی و نابودی آنها مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ را به تصویب رساند (SC Res. 687 (1991), Para. 7). به علاوه تصمیم می‌گیرد که عراق می‌بایست بدون قید و شرط تحت نظارت بین‌المللی، امحا، نابودی یا انتقال سلاحهای زیانبار را بپذیرد:

- ۱- تمام سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک و همه ذخایر انبارها و تمام سیستمها و قطعات مربوط و همه تحقیقات، گسترش، حمایت و تولید امکانات مرتبط با این تسلیحات؛
- ۲- تمام موشکهای بالستیک با برد بیش از یکصد و پنجاه کیلومتر و قطعات اصلی مربوط و امکانات تعمیر و تولید آنها (Ibid., Para. 8).

همچنین شورا تصمیم گرفت که عراق می‌بایست بدون قید و شرط متعهد شود که از استفاده، گسترش، ساخت یا دستیابی به هریک از موارد مذکور در فوق خودداری، (Ibid., Para. 10) و موافقت نماید که به سلاحهای هسته‌ای یا مواد مورد استفاده در سلاحهای هسته‌ای یا هر سیستم مرتبط با آن دست پیدا نکند و یا گسترش ندهد. (Ibid., Para. 12)

#### قطعنامه‌های ۱۱۵۴ مورخ ۲ مارس ۱۹۹۸ و ۱۲۰۵ مورخ ۵ نوامبر ۱۹۹۸

به دنبال اختلاف آنسکام و دولت عراق در زمینه بازرسی از تأسیسات نظامی جهت خلع سلاح و نقض موافقتنامه منعقد شده بین ملل متحد و دولت عراق در سال ۱۹۹۸، شورای امنیت ابتدا طی قطعنامه ۱۱۵۴ بیان داشت که «هرگونه نقض تعهدات خلع سلاح از سوی عراق با "شدیدترین عواقب"<sup>(۱)</sup> مواجه خواهد گردید. شورا مدتی بعد طی قطعنامه ۱۲۰۵ تصمیم ۳۱ اکتبر دولت عراق جهت متوقف ساختن همکاری با کمیسیون ویژه ملل متحد را "نقض آشکار قطعنامه ۶۸۷"<sup>(۲)</sup> (Flagrant Violation) دانست.

#### قطعنامه ۱۴۴۱ مورخ ۸ نوامبر ۲۰۰۲

پس از مباحث فراوان، شورای امنیت به اتفاق آرا قطعنامه ۱۴۴۱ درخصوص خلع سلاح عراق را به تصویب رساند؛ قطعنامه‌ای که شرایط فعالیت مجدد نیروهای ملل متحد (کمیسیون نظارت، تأیید و بازرسی ملل متحد)<sup>(۳)</sup> و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

1- Severest Consequences

2- Flagrant Violation

3- United Nations Monitoring, Verification and Inspection Commission (UNMOVIC).

(IAEA) را فراهم می‌آورد. همانند قطعنامه‌های گذشته شورا در این قطعنامه نیز هیچ اشاره صریحی به تفویض توسط به زور وجود نداشت. با این حال با عنایت به اینکه پیش‌نویس قطعنامه مذکور از سوی ایالات متحده به شورا ارائه گردیده بود، سعی شده بود که برداشتهای قبلی ایالات متحده و انگلستان از قطعنامه‌های ۶۷۸، ۶۸۷، ۱۱۵۴ و ۱۲۰۵ علی‌رغم عدم پذیرش در رویه دولتها، تقویت گردد.

در بند چهارم مقدمه، شورا اختیار «استفاده از همه ابزارهای ضروری را که طبق قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) تفویض شده‌بود یادآوری نمود و در ادامه در بند پنجم با آوردن عبارت "با یادآوری قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) شورا که تعهداتی را بر دوش عراق می‌گذارد"، تأکید نمود که اجرای قطعنامه ۶۸۷ گامی ضروری در زمینه دستیابی به هدف "اعاده صلح و امنیت در منطقه" است» (هدفی که در قطعنامه ۶۷۸ به صراحت به آن اشاره شده‌بود). در بند بعدی شورا تصریح داشت که «عراق تاکنون به صورت دقیق و کامل تعهدات خویش براساس قطعنامه ۶۸۷ را ایفا ننموده و سرانجام در بند دهم مقدمه مشخصاً بیان می‌دارد که «شورا در قطعنامه ۶۸۷ اعلام داشته بود که آتش‌بس صرفاً بر مبنای پذیرش مفاد آن قطعنامه از سوی عراق استوار است.»

همان‌گونه که در ادامه بیان می‌شود این عبارت از ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات گرفته شده‌است. در مذاکرات تهیه این ماده عبارت ماهوی<sup>(۱)</sup> بر عبارت اساسی<sup>(۲)</sup> ترجیح داده شد.

در بندهای اجرایی ضمن احراز این مسئله که عراق از تعهدات خویش "نقض اساسی"<sup>(۳)</sup> نموده، از یک طرف به عراق یک "فرصت نهایی"<sup>(۴)</sup> جهت اجرای تعهدات مرتبط با خلع سلاح اعطا شد و از طرف دیگر همانند قطعنامه ۱۱۵۴ به عراق هشدار داده که ممکن است در نتیجه نقضهای مداوم آن دولت از تعهداتش "عواقب جدی"<sup>(۵)</sup> در انتظار او باشد.

حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا با توجه به مفاد قطعنامه‌های فوق‌الاشعار شورای امنیت و رویه دولتها، حمله ایالات متحده و متحدان او به عراق مشروع بوده‌است.

1- Material

2- Fundamental

3- Material Breach

4- Final Opportunity

5- Serious Consequences



### بند سوم: استدلال‌ات حقوقی دولتهای مهاجم در مشروعیت توسل به زور

به دنبال حملات نیروهای ایالات متحده، انگلستان و استرالیا به عراق، نمایندگان این دولتها نامه‌هایی را در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ نزد شورای امنیت به ثبت رساندند؛ که حاوی مبنای استدلالی مشروعیت توسل به زور آنهاست.<sup>(۷)</sup> در نامه نماینده ایالات متحده نزد ملل متحد به رئیس شورای امنیت آمده‌است: «نیروهای ائتلاف، عملیات نظامی خویش در عراق را آغاز نمودند. با توجه به ادامه نقضهای ماهوی عراق از تعهدات خلع سلاح خویش طبق قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه ۱۴۴۱ (۲۰۰۱) این عملیاتها ضروری به نظر می‌رسند. عملیاتهای مذکور دارای مبنایی بوده و اجرای این دسته از تعهدات را تضمین می‌نمایند».<sup>(۸)</sup>

اقدامات متخذه طی قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) و ۶۸۷ (۱۹۹۱) تجویز شده‌اند. قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) مجموعه‌ای از تعهدات، از جمله مهمترین آنها، تعهدات مربوط به خلع سلاح را نسبت به عراق تحمیل می‌نماید؛ تعهداتی که شرایط آتش‌بس ایجاد شده طبق آن قطعنامه محسوب می‌شوند. سالیان متمادی است که پذیرفته شده‌است هرگونه نقض ماهوی این تعهدات مبنای آتش‌بس را زائل، و حق توسل به زور موجود در قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) را احیا می‌کند. این دیدگاه در گذشته نیز مبنای توسل به زور نیروهای ائتلاف بوده و از سوی شورا مورد پذیرش است؛ مانند آنچه که در اطلاعیه عمومی دبیرکل در ژانویه ۱۹۹۳ به دنبال نقض ماهوی عراق از قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) مشخص گردید.

همان‌گونه که شورا نیز در قطعنامه ۱۴۴۱ (۲۰۰۲) خویش مورد تأیید قرار داده‌است، عراق به نقض ماهوی خویش از تعهدات مربوط به خلع سلاح طبق قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) ادامه می‌دهد. شورای امنیت به اتفاق آرا طبق فصل هفتم منشور ملل متحد تصمیم گرفته‌است که عراق کماکان در وضعیت نقض ماهوی از تعهدات خویش قرار دارد و هشدارهای مکرر خویش را مبنی بر اینکه عراق با عواقب جدی در نتیجه تداوم نقضهای تعهدات خویش مواجه خواهد گردید، یادآوری نمود. قطعنامه سپس به عراق یک "فرصت نهایی" جهت پایبندی را اعطا کرده، اما مشخصاً بیان داشته است که نقض‌های عراق از تعهدات خود طبق قطعنامه ۱۴۴۱ (۲۰۰۲) نیز ... -نقض ماهوی دیگری را فراهم می‌آورد. حکومت عراق مصمم است که از این فرصت نهایی ... استفاده نکند و بوضوح نقض‌های دیگری را مرتکب شده‌است. با توجه به نقض‌های ماهوی عراق، مبنای آتش‌بس از میان

رفته و توسل به زور طبق قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) تجویز گردیده است.<sup>(۹)</sup> البته علاوه بر استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت، در قسمت پایانی مختصراً به حق دفاع از خود ایالات متحده (نظریه پیشدستی در دفاع از خود) در قبال تهدیدات ناشی از عراق نیز اشاره شده است، با این حال تأکید اصلی استدلال‌ات بر قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت بوده است. در نامه‌های به ثبت رسیده از سوی انگلیس<sup>(۱۰)</sup> و استرالیا<sup>(۱۱)</sup> نیز استدلال‌ات مشابه به چشم می‌خورد.

این موضع‌گیری ایالات متحده و انگلیس در حقیقت تداوم استدلال‌های گذشته این کشورها در تهاجم به عراق است. به‌طور مثال نماینده ایالات متحده در جلسه شورای امنیت به دنبال حملات هوایی ۱۶ تا ۲۰ دسامبر ۱۹۹۸ این دولت و انگلیس به عراق با هدف وادار ساختن آن به پذیرش بازرسان ملل متحد، بیان داشته بود: «در قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت شرایط یک آتش‌بس را تعیین می‌کند، اما همین قطعنامه در عین حال مجموعه‌ای از شرایط اساسی را بر عراق تحمیل می‌نماید، از جمله انهدام سلاح‌های کشتار جمعی و قبول بازرسی ملل متحد. شورا در قطعنامه‌های خویش (علاوه بر قطعنامه ۶۸۷ و قطعنامه‌های ۷۰۷ (۱۹۹۱)، ۷۱۵ (۱۹۹۱)، ۱۱۵۴ (۱۹۹۸)، ۱۱۹۴ (۱۹۹۸)، ۱۲۰۵ (۱۹۹۸) مجدداً به این شرایط ... اشاره نموده است. با عنایت به نقض بارز و ماهوی تعهدات مندرج در قطعنامه‌های ۶۸۷، ۷۰۷، ۷۱۵، ۱۱۵۴، ۱۱۹۴ و ۱۲۰۵ از سوی عراق ... ائتلاف، اختیاری را که شورای امنیت طبق قطعنامه ۶۷۸ به او اعطا کرده است، اعمال می‌نماید.»

نماینده دولت انگلیس نیز در آن جلسه دیدگاه مشابهی را ارائه نمود: «مبنای حقوقی مشخصی برای حمله نظامی در قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت وجود دارد. قطعنامه ۱۱۵۴ (۱۹۹۸) روشن نموده است که هرگونه نقض تعهدات از سوی عراق ... با "شدیدترین عواقب" مواجه خواهد شد ... قطعنامه ۱۲۰۵ (۱۹۹۸) احراز کرده است که تصمیم ۳۱ اکتبر ۱۹۹۸ دولت عراق ... نقض بارز قطعنامه ۶۸۷ است؛ قطعنامه‌ای که شرایط آتش‌بس سال ۱۹۹۱ را تعیین نمود. بر این اساس شورا به‌طور ضمنی تجویز توسل به زور اعطایی طبق قطعنامه ۶۷۸ را احیا کرده است.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در نامه ۲۰ مارس دولتهای مهاجم اشاره‌ای به سایر قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه‌های ۱۱۵۴ (۱۹۹۸) و ۱۲۰۵ (۱۹۹۸) نگردیده و صرفاً به مجوز تلویحی یا ضمنی موجود در قطعنامه‌های ۶۷۸، ۶۸۷ و ۱۴۴۱

بسند شده است. شایان ذکر است که دیدگاه مطروحه از سوی دولتهای مهاجم منطبق با دیدگاهی است که از سوی دبیرکل سابق ملل متحد در سال ۱۹۹۳ به دنبال حملات ایالات متحده، انگلیس و فرانسه به پایگاههای موشکی عراق اتخاذ گردید: «این حمله ... به موجب قطعنامه ۶۸۷ مجوز دریافت داشته است و دلیل حمله نقض قطعنامه ۶۸۷ درخصوص آتش‌بس از سوی عراق است. بنابراین به عنوان دبیرکل می‌توانم اظهار نظر کنم که این اقدام به موجب قطعنامه‌های شورای امنیت اتخاذ گردیده است و با منشور ملل متحد مطابقت دارد.»

دیدگاه ارائه شده، علی‌رغم ضعفهای متعدد حقوقی حتی پیش از حمله به عنوان قانون داخلی ایالات متحده نیز درآمده بود. کنگره آمریکا در اکتبر سال ۲۰۰۲ طی یک بیانیه مشترک صراحتاً اعتبار قطعنامه ۶۷۸ را مورد تأیید قرار داد و اعلام داشت که همه قطعنامه‌های شورای امنیت می‌بایست به اجرا گذاشته شوند.

بنابراین دولتهای مهاجم معتقدند که قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) درحقیقت شرایط آتش‌بس را تعیین کرده بود و توقف توسل به زور تجویزی به موجب قطعنامه ۶۰۷۸ (۱۹۹۰) منوط به اجرای تعهدات عراق طبق قطعنامه ۶۸۷ (از جمله تعهدات مرتبط با خلع سلاح) بوده است. به عبارت دیگر از آنجا که عراق به نقض ماهوی این تعهدات پرداخته بود، آتش‌بس ایجاد شده طبق قطعنامه ۶۸۷ بی‌اثر شده و مجدداً حق توسل به زور قطعنامه ۶۷۸ احیا گردیده است. از دیدگاه روابط بین‌الملل، مطمئناً اینچنین دیدگاهی صرفاً به منظور توجیه اقدامات دولتهای مهاجم علیه عراق بوده، و هدف این دولتها چیزی متفاوت از تضمین اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت است.

#### بند چهارم: تحلیل حقوقی استدلالات دولتهای مهاجم

اولین مسئله حقوقی که در بررسی استدلالات دولتهای مهاجم در مشروعیت توسل به زور آنها از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت مطرح می‌گردد، موضوع شیوه تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت و یا به عبارت دیگر قواعد حاکم بر تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت است. منظور از تفسیر از دیدگاه حقوقی "فعالیتی عقلانی است که به منظور فهم صحیح قاعده و روشن کردن مفهوم و تعیین دامنه آن صورت می‌گیرد." برخلاف تفسیر معاهدات<sup>(۱۲)</sup>، در هیچ سند بین‌المللی قوانین و مقررات مربوط به تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت آورده نشده است و تنها دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه

نامیبیا در سال ۱۹۷۱ عباراتی را در این خصوص بیان داشته است: «قبل از هرگونه نتیجه‌گیری در خصوص آثار الزام‌آور قطعنامه‌های شورای امنیت، می‌بایست با دقت، عبارت‌پردازی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با عنایت به ویژگی اختیارات [شورای امنیت] طبق ماده ۲۵ /منشور ملل متحد/، می‌بایست در هر قضیه پاسخ به این پرسش که آیا واقعاً براساس این دسته از اختیارات عمل گردیده است /یا نه/، با در نظر گرفتن عبارات مورد تفسیر قطعنامه، مذاکرات منتج به تصویب قطعنامه، مقررات مورد استناد در منشور و به‌طور کلی، کلیه شرایطی که می‌تواند در تعیین آثار حقوقی آن قطعنامه شورای امنیت کمک‌کننده باشد، مشخص گردد» (ICJ Reports 1971, p.53).

این رهیافت دیوان تقریباً مشابه رهیافت تفسیر معاهدات کنوانسیون ۱۹۶۹ است. بر این اساس ما نیز سعی خواهیم نمود که با در نظر گرفتن عبارت‌پردازی قطعنامه‌های ۶۷۸، ۶۸۷، ۱۱۵۴، ۱۲۰۵ و ۱۴۴۱، مذاکرات منتج به تصویب آنها، مقررات مورد استناد ذی‌ربط در منشور و رویه بعدی دولتهای عضو ملل متحد ذیلاً به تحلیل حقوقی آنها پردازیم.

۱- اگرچه قطعنامه‌های ۶۷۸ به دولتهای عضو اجازه داده بود که از همه ابزارهای ضروری در جهت قبولاندن و اجرای قطعنامه ۶۶۰ و سایر قطعنامه‌ها استفاده شود، با این حال این تجویز صرفاً شامل اجرای قطعنامه‌های قبلی مربوط به عراق می‌گردید و نه هر قطعنامه‌ای که پس از نوامبر ۱۹۹۰ صادر شده بود (از جمله قطعنامه ۶۸۷). این دیدگاه از متن قطعنامه ۶۷۸ مشخصاً مستفاد می‌شود، زیرا در این قطعنامه مکرراً به قطعنامه‌های صادره بین آگوست و نوامبر ۱۹۹۰ اشاره شده است.

۲- مجوز توسل به زور مندرج در قطعنامه ۶۷۸ پس از تصویب قطعنامه ۶۸۷ در ۳ آوریل ۱۹۹۱ دیگر معتبر نبوده است. زیرا این تجویز به موجب قطعنامه ۶۸۶ (۱۹۹۱) (SC Res. 686 (1991), 2 March 1991) به دلیل رعایت بسیاری از شرایط از سوی دولت عراق پایان یافته بود؛ شرایطی که اکثر آنها در قطعنامه ۶۸۷ دیگر مطرح نگردید.

شرایط جدید مندرج در قطعنامه ۶۸۷ به این دلیل گنجانده شده بود که از تکرار تجاوز عراق به کویت جلوگیری شود و آثار عمل غیرقانونی عراق (به‌طور مثال پرداخت غرامت و یا تضمین امنیت خارجیان) از بین رود. به عبارت دیگر نقض این تعهدات به مفهوم بازگشت به حالت قبل از قطعنامه و احیای مجوز توسل به زور

قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) نمی‌گردید. این دیدگاه بوضوح از بندنهایی قطعنامه ۶۸۷ که اعلام می‌دارد «شورای امنیت تصمیم می‌گیرد که موضوع کماکان در دستورکار قرار گرفته و اقدامات ضروری برای اجرای این قطعنامه و تضمین صلح و امنیت در منطقه را اتخاذ نماید»، قابل برداشت است. به عبارت دیگر مسئولیت تضمین اجرای تعهدات عراق بر عهده خود شورا نهاده شده است و حق توسل به زور تفویض گردیده در قطعنامه ۶۷۸ پایان یافته تلقی می‌شود.

بررسی صورتجلسه مباحث مطروحه در نشست شورای امنیت نیز مؤید این برداشت است. به‌طور مثال در آن نشست نماینده چین صراحتاً اعلام داشت که «شورای امنیت مسئول اجرای قطعنامه است» و نماینده هند بیان داشت که: «درخصوص بند اجرایی چهارم پیش‌نویس قطعنامه (در مورد تعیین مرز)، برداشت هند این است که براساس هیچ یک از قطعنامه‌های قبلی، هیچ دولتی اجازه اقدام یکجانبه را ندارد. بویژه اینکه طراحان قطعنامه به ما توضیح داده‌اند که در صورت وقوع هرگونه تهدید یا نقض واقعی مرز در آینده، در صورت لزوم شورای امنیت طی نشستی، همه اقدامات ضروری را طبق منشور اتخاذ خواهد نمود.»

۳- تفسیر دولتهای مهاجم از قطعنامه‌های شورا با رویه بعدی سایر دولتهای عضو ملل متحد و موضع‌گیری آنها نیز مغایر است.<sup>(۱۳)</sup> به‌طور مثال پس از حملات سال ۱۹۹۸ ایالات متحده و انگلیس به عراق بسیاری از دولتها این حمله را غیرقانونی خواندند. دولت روسیه اعلام داشت که «قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد درخصوص عراق هیچ مبنایی برای چنین اقداماتی فراهم نمی‌آورد و ایالات متحده و انگلیس آشکارا منشور ملل متحد و اصول جهانی مورد پذیرش حقوق بین‌الملل را نقض نموده‌اند. دولتهایی همانند برزیل، آفریقای جنوبی، کاستاریکا و کنیا نیز مخالفت خویش را با این حملات اعلام داشتند. دولتهای عضو جنبش عدم تعهد نیز اقدام مذکور را مغایر با منشور ملل متحد دانستند. بنابراین رویه بعدی سایر دولتهای عضو ملل متحد نیز استدلال دولتهای مهاجم مبنی بر مشروعیت حمله از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. در حقیقت تلاش این دولتها در توجیه اقدام نظامی خویش براساس قطعنامه‌های شورای امنیت چیزی غیر از یک توجیه بی‌اساس و غیرحقوقی نیست.

رویه شورای امنیت پس از حمله نیز مؤید عدم مشروعیت توسل به زور علیه

عراق است، زیرا شورا در قطعنامه ۱۴۸۳ صراحتاً از ایالات متحده و انگلیس با عنوان "نیروهای اشغالگر"<sup>(۱)</sup> یاد می‌نماید (SC Res. 1483(2003), 2 May 2003)، که مفهوم این امر فقدان هرگونه تفویض اختیار از جانب شورا است.

۴- از دیدگاه حقوق بین‌الملل عام، این استدلال که قطعنامه ۶۸۷، به مثابه معاهده آتش‌بس بوده است و در صورت نقض تعهدات عراق، مجوز توسل به زور دوباره احیا می‌گردیده، قابل پذیرش نیست. این استدلال هنگامی مصداق می‌یابد که جنگ خلیج فارس را یک جنگ کلاسیک بین دو دولت در نظر بگیریم<sup>(۱۴)</sup> و شرایط تفویض زور از سوی ملل متحد را مدنظر قرار ندهیم. حال اینکه دولتهای مهاجم در سال ۱۹۹۱ مبنای حقوقی حمله خویش را صراحتاً قطعنامه شورای امنیت (نظام امنیت دسته‌جمعی) اعلام داشته بودند. با این حال با فرض پذیرش اینچنین دیدگاهی، این حق شورا به عنوان طرف معاهد آتش‌بس است که نسبت به از سرگیری حملات تصمیم‌گیری نماید و نه دولتهای عضو.

۵- قطعنامه‌های ۱۱۵۴، ۱۲۰۵ و ۱۴۴۱ نیز نمی‌توانند مبنایی برای توسل به زور علیه عراق فراهم نمایند. قطعنامه ۱۱۵۴ اگرچه عدم اجرای تعهدات عراق را با عبارت "عواقب خشن" مورد تهدید قرار می‌دهد، با این حال شورا طی آن تصمیم می‌گیرد که «کماکان مسئله تضمین اجرای قطعنامه‌ها بر دوش خود شورا باشد». این نظریه با بررسی دیدگاههای نمایندگان دولتهای روسیه، فرانسه و کاستاریکا در صورتجلسه مباحث مطروحه در نشست موردنظر شورای امنیت مورد تأیید قرار می‌گیرد. به هنگام تصویب قطعنامه ۱۲۰۵ نیز چنین اظهاراتی مشاهده شد. به‌طور مثال نماینده کنیا در نشست شورای امنیت بیان داشت که «پیش‌نویس قطعنامه حاضر هیچ محملی برای هرگونه اقدام، بدون مجوز صریح و روشن شورای امنیت، فراهم نمی‌آورد.»

پذیرش تفویض توسل به زور به دولتها براساس عبارات "فرصت نهایی" (بند ۲) و "عواقب جدی" (بند ۱۳) مندرج در قطعنامه ۱۴۴۱ نیز با ابهام مواجه است. زیرا در پیش‌نویس اولیه پیشنهادی، بند ۱۳ در زمره بندهای اجرایی اولیه قرار داشت که با اصرار بسیاری از اعضای شورا به بخش پایانی قطعنامه انتقال یافت. هدف از این مسئله ایجاد ارتباط بین این عبارت و گزارش بازرسان مبنی بر عدم

اجرای تعهدات از سوی عراق (بند‌های ۴ و ۱۱) بوده‌است. بنابراین صورت مذاکرات تصویب قطعنامه وجود ارتباط منطقی و حقوقی بین دو عبارت فوق‌الذکر را رد می‌نماید. بویژه اینکه برخی از دولت‌ها (از جمله سوریه) با تضمین عدم تفسیر این قطعنامه به عنوان مجوز توسل به زور به آن رأی مثبت دادند و دولت‌های فرانسه، روسیه و چین در یک بیانیه مشترک پس از صدور قطعنامه تأکید داشتند که قطعنامه ۱۴۴۱ هرگونه توسل به زور خودکار علیه عراق را رد می‌کند.

بنابراین پذیرش موضع‌گیری دولت‌های مهاجم مستلزم قبول یک برداشت ابداعی و نهایتاً غیرمعقول از قطعنامه‌های شورای امنیت و به فراموشی سپردن تاریخچه تهیه آنها است. لذا با در نظر گرفتن نکات فوق می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت، حمله ایالات متحده و دولت‌های متحد او به عراق نامشروع و مغایر با موازین بین‌المللی بوده‌است.

### نتیجه‌گیری

دولت‌های مهاجم علیه عراق رسماً اعلام داشته‌اند که حملات آنها در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت و مبانی موجود در آنها صورت پذیرفته‌است. مقامات این دولت‌ها استدلال نموده‌اند که دولت عراق تعهدات خویش (از جمله تعهدات مرتبط با خلع سلاح) طبق قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض نموده بود و این مسئله به مفهوم امکان توسل به زور علیه این کشور طبق قطعنامه‌های قبلی شورا بود. دولت‌های مهاجم معتقدند که قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) در حقیقت شرایط آتش‌بس را تعیین کرده بوده‌است و توقف توسل به زور تجویزی به موجب قطعنامه ۶۷۸ (۱۹۹۰) منوط به اجرای تعهدات عراق طبق قطعنامه ۶۸۷ بود. به عبارت دیگر از آنجا که عراق به نقض ماهوی این تعهدات پرداخته بود، آتش‌بس ایجاد شده طبق قطعنامه ۶۸۷ بی‌اثر شد و حق توسل به زور قطعنامه ۶۷۸ مجدداً احیا گردید. پیش از حمله، این دولت‌ها به برخی قطعنامه‌های دیگر شورای امنیت همانند قطعنامه‌های ۱۱۵۴ و ۱۲۰۵ نیز استناد می‌نمودند. با این حال این دیدگاه از زاویه حقوقی بین‌المللی قابل پذیرش نیست:

۱- تفسیر قطعنامه‌های ۶۷۸، ۶۸۷، ۱۱۵۴، ۱۲۰۵ و ۱۴۴۱ شورای امنیت با در نظر گرفتن عبارات مورد استفاده، صورت مذاکرات نشست‌های ذی‌ربط شورای امنیت و رویه بعدی دولت‌ها و شورا از سال ۱۹۹۱، نشان می‌دهد که ملل متحد هیچ

مجوز (صریح یا ضمنی) تهدید یا توسل به زوری را به دولتها جهت به اجرا گذاشتن تعهدات پس از جنگ عراق اعطا ننموده‌است.

۲- با توجه به آثار داخلی و بین‌المللی درگیریهای مسلحانه و با عنایت به تعهد دولتهای عضو ملل متحد و شورای امنیت به پیشگیری از مخاصمات مسلحانه (قطعنامه ۱۳۶۶ مورخ ۳۰ آگوست ۲۰۰۱ شورای امنیت) ایالات متحده و متحدان او می‌بایست قطعنامه‌های شورای امنیت را حتی‌المقدور به صورت مضیق تفسیر می‌نمودند. بر این اساس هرگونه توسل به زور یکجانبه دولتها در قالب ملل متحد نیازمند تفویض اختیار صریح، جداگانه و مستقل از طریق یک قطعنامه مشخص است. لذا اقدام دولتهای مهاجم از دیدگاه حقوقی بین‌المللی غیرقانونی و نامشروع بوده‌است.

### یادداشت‌ها

- ۱- حقوق سرزمینهای اشغالی یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که به‌طور کلی در مواد ۵۶-۴۲ مقررات لاهه ۱۹۰۷ و مواد ۷۸-۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو تشریح گردیده‌است.
- ۲- پس از حملات ایالات متحده و متحدین این کشور به عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ به‌طور مثال دولتهای هند، روسیه، اندونزی، سنگاپور، ایران، مصر، یونان، پاکستان، برزیل، مکزیک، کوبا، آرژانتین، مالزی، فرانسه، آلمان، عربستان، سوریه، چین، واتیکان، کره شمالی، الجزایر، لبنان، بحرین، تونس، ونزوئلا، پاراگوئه، اروگوئه، نیجریه و چک در قالب عبارات مختلف به مغایرت این حملات با موازین بین‌المللی اشاره داشتند. در نشست ۴۷۲۶ شورای امنیت پس از حملات، اغلب دولتهای حاضر تأکید نمودند که جنگ علیه عراق ناقض حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد بوده‌است.
- ۳- البته ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ به‌طور رسمی دکترین جدید توسل به زور را در قالب حق پیشدستی در دفاع از خود (*Preemptive Self Defense*) پیش‌بینی شده‌است را که بر اساس آن امکان توسل به زور علیه دولتهای دارای سلاحهای کشتار جمعی حتی در نبود یک حمله مسلحانه واقعی، به تصویب رسانید.
- ۴- به موجب ماده ۴۱ منشور «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به‌کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند.



این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن کامل یا بخشی از روابط اقتصادی و ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط دیپلماتیک باشد.»

۵- در این مورد مشخصاً می‌توان به بحران کره (۱۹۵۰) و کویت (۱۹۹۰) که شورای امنیت طی قطعنامه‌های ۸۳ و ۶۷۸ به دولتهای عضو اجازه توسل به زور را اعطا نمود، اشاره داشت.

۶- در حقوق بین‌الملل عام می‌بایست بین حالت "پیشدستی در دفاع از خود" (*Pre-emptive Self-defence*) و دفاع از خود پیشگیرانه (*Anticipatory Self-defence*) قائل به تفکیک گردید. در حالی که توسل به زور در حالت اول به طور کامل ممنوع اعلام شده‌است، در حالت دوم توسل به زور در پاسخ به حملات اولیه یا حملات در حال انجام ممکن می‌باشد.

۷- البته مقامات ایالات متحده همواره قبل، در حین و پس از جنگ ادعاهای سیاسی دیگری را نیز نموده‌اند که فاقد هرگونه مبنای حقوقی است. به‌طور مثال بوش در سخنان ۱۷ مارس ۲۰۰۳ اعلام داشت که مسئله حمله علیه عراق مسئله اختیار نیست بلکه مسئله اراده است. یا تامی فرانکس پس از حملات ادعا نموده که حمله به عراق اشغال نیست بلکه آزادسازی ملت عراق از ظلم و ستم رژیم بعث است.

۸- توضیح اینکه این دیدگاه نیروهای مهاجم در حقیقت با تلفیق مبانی موجود در قطعنامه‌های شورای امنیت و حقوق معاهده ارائه شده‌است. به موجب ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، «نقض ماهوی هر معاهده دوجانبه از سوی یکی از طرفها، طرف دیگر را مجاز می‌دارد که به نقض معاهده، همچون دلیلی برای پایان دادن به اعتبار معاهده یا تعلیق اجرای آن به صورت کلی یا جزئی استناد کند.» حال اینکه نقض مذکور می‌بایست در قالبهای مضیق‌تر حقوق حاکم بر درگیریهای بین‌المللی از جمله کنوانسیونهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه بررسی گردد. به عبارت دیگر دولتهای مهاجم نمی‌توانسته‌اند با استناد به "نقض ماهوی" قطعنامه ۶۸۷ از مجوز توسل به زور مندرج در قطعنامه ۶۷۸ استفاده نمایند.

9- Letter dated 20 March 2003 From the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the President of the Security council, UN Doc. S/2003/351.

10- Letter dated 20 March 2003 From the Permanent Representative of the United

*Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc. S/2003/350.*

11- *Letter dated 20 March 2003 From the Permanent Representative of the Australia to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc. S/2003/352.*

- ۱۲- قواعد مربوط به تفسیر معاهدات در مواد ۳۱ تا ۳۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین تدوین گردیده است.
- ۱۳- به موجب بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات علاوه بر سیاق اصطلاحات، می‌بایست به «هر رویه‌ای که بعداً برای اجرای معاهده اتخاذ می‌شود» نیز توجه گردد.
- ۱۴- به موجب ماده ۴۰ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷، «هرگونه نقض جدی متارکه جنگ (Armistice) از سوی طرفین درگیر، به طرف مقابل حق فسخ و حتی در شرایط ضروری آغاز فوری منحصم را اعطا می‌نماید.»

#### منابع فارسی

- ۱- اکنل، ماری‌الن، (۱۳۸۲)، «مشروعیت توسل به زور علیه عراق: بررسی نظریه پیشدستی در دفاع از خود»، ترجمه سیدحسین سادات میدانی، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۱.
- ۲- سادات میدانی، سیدحسین، (۱۳۸۱)، «بررسی حقوقی توسل به زور در قبال تروریسم»، *فصلنامه نهضت*، سال سوم، شماره ۱۲.
- ۳- ساعد، نادر، (۱۳۸۱)، «توسل به زور در صورت عدم همکاری عراق در خلع سلاح»، *ماهنامه اطلاع‌رسانی حقوقی*، سال اول، شماره ۲.
- ۴- شریف، محمد، (۱۳۷۳)، *بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت*.
- ۵- فلسفی، هدایت‌ا...، (۱۳۷۹)، *حقوق بین‌الملل معاهدات*.
- ۶- مظفری، محمدحسین، (۱۳۸۲)، «دکترین بوش و ابعاد حقوقی تهاجم به عراق»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفدهم، شماره نهم و دهم.
- ۷- ممتاز، جمشید، (۱۳۸۱)، «تفویض حق توسل به زور از طرف شورای امنیت»، *بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی*، سال دوم، شماره ششم.

### **English Reference**

- 8- Blokker, Niels, ((2000), "Is the Authorization Authorized? Power and Practice of the UN Security Council to Authorize the Use of Force by Coalitions of the Able Willing", **EJIL**, Vol.11, No.3, and Hanspeter Neuhold, (2000), "Collective Security After Operation Allied Force", **Max Planck Yearbook of United Nations Law**, Vol.4.
- 9- Boutros Boutros - Ghali, 14 January 1993.
- 10- Byman, Daniel L., and Maxman, Matthew C., (2000), "Confronting Iraq, US Policy and the Use of Force Since the Gulf War".
- 11- Cf : S. H. Sadat M., "An Agenda for War : The Law of Self-Defence in the Light of the 11 September Terrorist Attacks", **Tilburg Foreign Law Review** Vol.10, No.1, p.78.
- 12- Cf : UN Doc. S/PV. 2977, 14 February 1991.
- 13- Cf : UN Doc. S/PV. 3858, 2 March 1998.
- 14- Dahlitz, Julie, (1998), **International Herald Tribune**.
- 15- Dinstein, Yoram, (2001), **War, Aggression and Self-Defence** (Third Edition).
- 16- Dupy, Pierre - Marie, (1997), "The Constitutional Demension of the Charter of the United Nations Revisited", **Max Planck Yearbook of United Nations Law**, Vol.1.
- 17- Gray, Christine, (2002), "From Unity to Polarization : International Law and the Use of Force against Iraq", **EJIL**, Vol.13, No.1.
- 18- ICJ Reports 1949, p.14 & 184 ; ICJ Reports 1962, p.51 ; Cf : Magdalena M. Martinez, (1996), **National Sovereignty and International Organizations**.
- 19- ICJ Reports 1986, Paras.194-195.
- 20- ICJ Reports 1986, Para.189.
- 21- Joint Resolution to Authorize the Use of Military Force Against Iraq, Section 3 (a) (1) - (2), Public Law 107-243 (Oct.2002).
- 22- Kelsen, Hans, (1944), **Peace Through Law**.
- 23- Kirgis, Frederic L., (2002), "Security Council Resolution 1441 on Iraq's Final

- Opportunity to Comply with Disarmament Obligations", ASIL Insights, (http://www.asil.org/insights/insigh92.htm)*
- 24- Lauterphact, Hersch, (1933), ***The Function of Law in the International Community***.
- 25- Murphy, Sean D., (2003), "Contemporary Practice of the United States Relating to International Law", ***AJIL***, Vol.97, No.1.
- 26- Paust, Jordan J., "Use of Armed Force against Terrorists in Afghanistan, Iraq and Beyond", ***Cornell International Law Journal***, Vol.35, No.3.
- 27- Roberts, Adam, (2003), "Law and the Use of Force after Iraq", ***Survival***, Vol.45, No.2.
- 28- S/PV. 3955, 16 December 1998, p.5.
- 29- S/PV. 3955, 16 December 1998, p.9.
- 30- Simma, Bruno (ed.), (1995), ***The Charter of the United Nations, A Commentary***.
- 31- UN Doc. S/PV. 2981, 3 April 1991, Paras 97 and 78.
- 32- UN Doc. S/PV. 3955, 16 December 1998, pp.3-4.
- 33- <http://www.ihlresearch.org/iraq>
- 34- <http://www.un.org/news/press/docs/2003/SC7687.doc.htm>
- 35- <http://www.un.org/news/press/docs/2003/SC7707.doc.htm>., Cf: UN Doc. Press Release SC/7707